

جون شوکلی، فرهنگی ها و ... شمودند و شناس کردند
فرماندهان "جان شناور شاه ساقی" آنها را که سویش از آرما-
نهای اهداف خود را می توانند اند به توجه های اتفاقی
ارتش تحمل کنند. آسها و قناتی سا مقاومت سربازان و
کارهای سیارا و شوش پرورش و دستوری می شوند فراموشان را
درپادگانها جایجا نمودند (و می شنید) نا اینست
فرمانده سه غلاظ بادگان و فرامانده بادگان دیگر سه
اینچه سیباد نا بلکه شتوانند سربازان و کارهای بایشین
را وارد سه اطاعت گورکواره کنند.

مرتب بختنها ها و مستور العمل است که سرای
بجای اطاعت کوکوکو راه ساق در دیگانها مینشود. دولت
موقعت نامناسب شال خود را برای ایجاد ارادت که بر اساس
منابع اسماست قبلي باشد بکار میرد. برای اینکه این
روشن سوتاده هر موقع لزوم سرای سرکوب غلبهای حق طلب
زمینکشان و ... آمادگی پیدا کند (اختیار کنندگان) که در
کردستان و نشده دیدم کوشش مبنای با سو اضافه
از این طبقه و احصاءات مذهبی تولد های ارشتهای را از
طرقی سخنرا نسباً تحریک آمیز با اشاعه دروغ و جعلیات
به ارشتهای جنم و گوش سنت غذ کومنیست و غد دیکتری
پیشوایان اقلیاتی ترقیخواه تدبیل کنند. تا بینا معاشره سا
کومنیست و گومونیست ها هرگونه حدای حق طلبیه را در
قطعه دهند. کنند.

سیلانی که این ارشتهای بحال در ستدخ و نقدنهای
داده است بخوبی روشنی را که دولت موقعت برای ۲۰ تن -

سیم اعوام است نشان میدهد -
اما موده های کنیتی اورش، سرمیان درجه -
اداران و اسرائیل جز بیاور تبریز ساخت نیستند. آنها
همان کوشش خود را برای دفاع از شوراهای انقلابی کشیده
دهدند اما هدایت از ارشاد خلق است مکار مدبرین. آنها فرمایند
نه عدهان مistrung را که با نتاب اتفاقی و اسلامی
دکایها بارگیرند اند، اتفاقیان سازند ..

★ ★ ★

سلام ارتشی که بر آسان سیستم و خوابط گذشته
در هر قدمی که میرا قوام مدد خود را میدارد
بینشتر عمان ارتش فلیل را نداشی میکند ، روشن
اگر بر اراده و انتزاعی حلق و برو نوده های
هر شکه بشاد و اورتش سخن برای تکردد کسانی
هر فرد شاد به برایست سخن اورش بررسند .
لاطمه کنید و ایستان داشتید .

برست واقعی "قلمداد گرده" و بینشمه میگویند
"در سلطنت ایشان دکمه‌ها آنطور که دید و باید روش و قدرتی نگرفت" (صفحه ۱۸۹) و با "مسئله رهایی و آزادی کشور از سوغ استعمار و تغذیه سیکا -
شکان ملائش اعلیٰ اعلمیه ضرور رعایشه کیمیرا در سیاست خارجی شنکنیک میداد" . (صفحه ۲۱۱) برآستی آیا
منشون با چنین دروغپردازی زیها و با ووه ساری هم
ملت ایران را فربیخت؟ وی وفا و حق شمام را سرکوب
نهشت های ای ایران بدست رضا خان را حسنه کرد و
حسنیش آزادی ملی گیلان و را شهربی مرزا کوچک خان
"باغی گری و گردشکنی شناور ایران" لفظداد می -

کند . (مقدمه ۱۸۲)

بیداد است که رانکر فردی جز این باوه ها چیزی
برای تدریس در داشنگاه بدانسته ملی و شنتوی مفتری
افسران چیزی در چنینه داشته است . و اینکه بر
مسنه ریاست‌نادار ارشت جمهوری اسلامی نکه زده با
روز جشن آمورشهاش است که مینتوان از حقوق مردم
دعا کند !

رضاخان که در سی فرهنگی و جهالت او شکی نیست
زدید آفای فردی فردی دارای «وشی فوق العاده» شجاعت
و در استخارت اسلامیه (مقدمه ۱۸۳) ایشان
حتی سا استناد به گفته های ارمیان ایگلیسی رضاخان
که هر در خدمت فربود مردم شعی خواست باشد ،
در سال «آذاب داشت» . « شخصیت باز و متنی و
موقوف نوکرخان و اینکه او « یکی از حدا تربیتی
افسران خوان ایرانی » بوده استغلمندی سایه میکند
(مقدمه ۱۸۴) . گست که نداند . رضاخان در وطن
نفوذی و خیانت پیشکی . در آزادی کنی و زور گوشی
بسی اینتا بود و اموال کامارهش و شیش ایوراگی و
میهن به شاهی از طرف ایگلیسی به همین دلیل سود

لیکن آقای سرلشکر فربود سرای خوش خدمتمندی و
گوشتمن در مقابل فرزند جانبازکار این ایامیں و جلسه
جعیت " طاونت " و همچنین فربود افکار عمومی . جز
من میگویم . و آنها که دیگر نیز نتوانند همه جهرا
بر این پروردگار بیوشی کنند . این این تغیر احتماله و در
بعض اوقایع بسیار ممکن است که گواه این مردگان که

برخیت بطورسکه نا کنون نیز علم رغم کوشش افرادی از
فصل فرهنه، فرد و ... ارشتناسیم و شکل مور د
نظر مادر در درت را باز تیغه است.
واعماً آماً بدون استکه دگانها و مراکز انتظامی
بسته توده های بینند، بدون اینکه توده های مصلح در
کوچه و خیابان از دست وردها قیام حفاظت و بسداری
کنند، میشد حرفنی از پیروزی زد ... توده های با این
طیباً خود شناس دادند که نا الى الای منظر "مکمجهاد"
نهی مانند و خود با درگ درست و افتیت ها دست سکار
نمیشد.

ک یک معتقد بر دنداشت را با کمی اصلاح و تغییرات می توان در آینده
نمود از این نتیجه در تقدیری و بینداخت مسجح خلی احیاد کنند.

کسانی که امکان پیروزی مساله است بیز بر دشمن بدبست گرفتند قدرت بودن یک تعلیمه حساب قطعی با دشمن را می‌دانند. در معنی معتقد بودند که اورشالما سبقت با کمی اسلحه و تفیرات می‌تواند در آینده نگاه داشت. به همین نسبت نیز توافت نداشتند اینجانب شماری مطریح زاند که به نایابی این سیاست ارتضی نمی‌شود. چرا آنها خود را قادر نمی‌دانند که بر پرایه های این اورشال، اورشل مسلح علیق را ایجاد کنند. اورشل مركب از شام غربی و های مسلح اقلیاتی، برسنسل نقلیاتی اورشل و توده هایی باشد که شمامه و خلاصه رفقاء ترکت گردیدند. اورشل در خدمت کارگران و هفتمان و زخمکنان برای کسب پیروزی سوز مندی را نیز بزرگ سرمایه داری و استهانی باشد.

به همین دلیل پس از قیام قدرت حاکمیت در جاییکه از کلیه وسائل تسلیمانی و موقوفیت های ممتاز خود برای سوییدن شماره ایجاد و اورشل مسلح خلقی استفاده می‌کرد و به تسوده های ناگاهه چنین الفایکرددند که گوا کسانی که این شماره را می‌دنهن منثورشان نباشد کرد افاده اورشل است!! شروع به تجدید سازمان اورشل با شام نیاتس است دهد خلقی حاکم بر آن، با همان وکن دو میل معرفت (منطقی تخت پویاندی) و با فرمادنی کسانی

سین سنا و ارشاد اسلامی

تحصیل فراز و داد اسارت بار ۱۹۱۶ بر آثرا عضایات و
خدمت و تنفس مردم با نکست مواجه شد و پس از آنکه
دولت قاجار اعتیاب خود را بکلی از دستداد و دیگر
برای انگلیسیها مقدور نشد که سیاست استعمار خود را
برای بذلت احمد شاه که چندان روی خوش به آنها ن
خشنان تهدید به اجزا درآوردند، به اختیار سیاست
توپونی مقتول دولت مرکزی که مینتوانست بمحکومی شناس زار

عترافه سه کیمی وی او امکنیت دارد بر سر کار آورده است. شرمی نداشت. دکتر صدق در گتابناهی ساخت
و بازوهای متفاوت خود این موضوع را پسند توضیح میدهد:
« همه اغوار دارم سزاداریه رشیلوروا وقت در منزل
من الیهار داشتم که **مرا امکنیت آورد** ». (صفحه ۴۴).
همه جا تاکد از ماست (حتی شاه خاکشیز در گتاب
نمایورست براوی وطنم « شان امر مربجاً اعتراف داد ».)

یک محدوده است که ممکن است باید از آن خارج شود. این محدوده از نظر امکانات سایس-اپ و اقتصادی بلکه از نظر شخصی موقع و طرز عمل موافق نداشت. (مفحوم ۵۵) لکن آنای فردی نظری دیگر دارد. وی کسی دارد که در عرض چند سال از طرق غارت و جاواه مردم به

نایابی‌های جنگ و قیام مسلحانه و سر باشی ارتشد خلقت را
نمذک می‌نماید. ... و از طرح شماره‌ای: "... تینها ره ره شسی
جنگ مسلحانه" ... "نایابو باد ارتشد خلقت شاه عاشن" ...
بیش به سو شنکل ارتشد مسلح خلق" ... در سیسین
سوهده‌های معاشر نظر صحیح خود را تسلیم نمی‌کند.

نفر دسته ای دچار سوگ و دهش گرفتی و خوش
خیالی بود سو مردم میگردید که بیون سلسله کردن نموده ها و
بدون حین و فیض سلطانه و سامو کردن از این تند خد
شاه پیروزی واقعی امکان بذیر است. به همین جهت
رهنمودی سرای سلطنه شدن نموده ها نمی داد، و فقط
نسته ها را دعوه های منازعه نمیگفتند و حقایق در مقدمات
ارشتن میگردید به سبب زان دستور فرار از اینتر را میدادند
با سنته ها حق میدادند شنیده در مقابل محله اینتر دست
به دفاع بپرسند. این نظر با طرح شاعراه شی ظفری "اوش
برادر ماست" ... میگردید نسته ها بدبناهی توهمندان
خود بگشانند. اما نسته های سنت دیده که در خیابانها
سازارها و بارها با مشت خلیجی جلوی مسلسل نوب و ناسک
رفته بودند و عزیزان سپاهی را در راه انتقال قربانی
داده بودند، با درک غریبی و درست بودن بطور دوستی
به دنبال رهبران ترقشند. آنها با شنه و خردی سلطنه
و با دیگری چگونگی ساخت مواد آتش زاو اشجاری و ...
علیمریم شرمزی که رهبران ایجاد کرده بودند خود را
آشاده نشان میگردندند ... آنها با طرح شاعراه شی ظفری
"این شریعت دیگر رهبران رفع نمیشه" ، "رهبران سارا
ملسل کنید" ... در واقع توهمات و ذهنی گرفتار رهبران
آن و سارا بدآوری می گردند.

قبایام سلطانه بهمن ماه شان داد که کسب-بزرگ
بپروردی نیست سدون مبلغی کردن ارشاد امکان بذیر نهند -
باشد. البته امیرالبلطفه آمویسا که بخاطر حساب
شده و سازش از سالا کوشید از طولانی شدن جنگ و مبلغی
شدن کمال ارتضی خلقی و در عویض از تشكیل ورثت ارتش
خلق هم نشاند به عمل آورد و در این باره نا اند زمای
هر موقوف شد ولی سپهالار ارتضی خلقی شان دنواست از
بسیار و تا حد زیادی نظم و ارگانیزم مهمی اش بهمن
بسیار و تا حد زیادی نظم و ارگانیزم مهمی اش بهمن

این روزها دولت "انقلابی" آفای بازگشان شدیداً به دست و با افتاده و در مدد استکه هرچه زودتر بر اوضاع ناسایما که مسبب این اشتباه - دست و پاشی خودروهولت "انقلابی" شن میباشد، سلطنت خود و بینهمن منظور گویای بازاری ارشت را دارد و ظایق خود قرار داده است. له نزیر گلله و شنکات های همینکی آفای بازگران که اخیراً با جاشنی شنیدهند نزیر همراه گشته است، اکنون ارشت و نارضا - چشمکشی هایی کاردهای آگاه ارشت را هدف گرفته است. در چنین امریکلی شناخت ارشت و به ویژه فرمادهان آن، حاکم این شهر را از پست خود کنار گذاشت.

هم اگونک اور تن زیر فرمان کسی است کہ با سمت
کارشناس مسائل استرا تریک و امنیت ملی، مددھار دوڑاں
مینادر مہمی از قبیل فرمادنی داشتگاہ بدافتند ملی
(داشتگاہ جنگ) بوده و همراه با افرادی نظری
عورتھاریان مددوم در آین داشتگاہ تدریس مینگردیده است.
ممکن است گفتہ شود کہ هر صرف تدریس شیعی شوانت دلیلی
بر ملی با خد می بودن مدرس باشد، که البته حرف
درستی است. لکن با انتشاره می شوشه های فرد
دانبا سلیمانی فرید که در کتاب " عمر استحصال زادائی"
ز انتشارات امیر کبیر کے سال گذشته نظر تجدید

باب نده است، شنآن خواه می داد که فردی کیست؟
دوقطبی اساسی که از ایندا شا انتها گشته است
شناوه میشود باورست از :
کسی فردی را می چون و جرا از امیرالاسما
مریسا و دکتری مذاخی و سناشی رخاخان قدره مند
نه این بر دو سه آخافه خدمت علیعی سه روزی حب رشاده
هموسری گویا ، از این شخصیت غالبیه را ارائه

مجرایی اصلی، انقلاب ۱۹۷۹

دایمیانه از این مدت در ایران بودند و لیبرالهاش که در گذشته: « به بر این آمد موبد

نام ایران خوبی را ... را به هنر مودتان ناشیست
کنند که اینسان بپارسند که راه حل میران سایر و
احتمالی ایران قبول کردن انتخابات زاد بختیار ما

قویوں پیغام اوت ... حق دارند در سال‌های اخیر مسأله در
امور ملکی سیاستند پژوهشکار نگویند: اگر ما ذکر
کیمی تمام مسائل ... و اموال توأم در قالب اسلام
بسازیم ... هه محدود استنده معکن و هه غایبی ...
آغازی سهیتی ما این سخنان خود در فعن روشن میکنند
که توکلی ها و فامر فربدها و ... شور ما همین
فرمول بالا مسدده ... و سوابق عدد انتقامی آنها اصلا
هم اینست !

ایران با کودار و روحه حیستان نشان داده اند
که واقعاً این « اصل » چقدر برا ایران مهم است !
حمله به مردمی که در راه آزمایشی خلق خود را بدینهاش
و بمناسبت گذشته اند و شفحت های ریکش سدانها دروغ افع
قسمتی از اعتقاد به همین اصل را سه نماش میسی
گردانیم :

اما واقعاً آبا منافع اساسی مردم مشتملة ما
شیبز در همین فرمول که آفای بیشتری اراده میدهدند ،
ضلول میابد ؟ و آبا این "امل" غیر از همان اصل
"مشروعه" هست که جرسان انقلاب متروکت ما بقیلاً
بکارهای آنرا در تاریخ افتادنا ساخته است؟ مگر روحانی
ذنت مترجم به سوکرگدی شیخ قندل الله منه نمود و
نهنی گفتهند که "مشروطه" و "مشروعه" آری ^۲ ز ادی
تمدنی سرتوخت در مجلس موسسان و مجلس شورای اسلامی
نه، این اینست که مسروش بددسته ای از روحانیون ^۳ آن
در این اتفاق شماشان ایشان ^۴ آری و روحوغانیون
منظری و ... در ظاهر همین مشرووعه طلبی نایستا-
دند ^۵ ... و اموروز آبا نادرست ایست اگر بگوشیم
مجلس موسسان را و اماکن بر همین "امل" مشرووعه -
طلبوی خوب زیر سر ^۶ اول رسده اید مجلس موسانی که
حتی در انقلاب متروکت میگشی بازاری نشکنند ^۷ آن
نشود ... و جز این است که شما روزمریوز بر این
"امل" مشرووعه طلبی نایان پای بند نز می شوید ؟ و
به همین دلیل هم هشوزیک دوامه از شدام آن فسول و
ترکارهایی که در سورد مجلس موسسان بود و همه شما
ترکارهایی که در قبول داشته بگذشت ، ما ماه دین گرفتمن ^۸ آن
هر چیزی که در قبول داشته بگذشت ، ما ماه دین گرفتمن ^۹ آن

درگ این مهم که مردم ما برای چه ساره زرگردید
چنان با خشنده سرای انسانهاش که منع محدود و
تحلیمه ایست باید اینها را نگرفته سپس را
ساده است. کافیست به درودی این شهر و به سقایی
انسانها را تناول نمیکنیم، کافیست بساد و وزیری نه
جنداز دور بیفتشم که مردم مستبدیه ما فیضانده و به
بسکها و موسات امیریا بیستی، به مواکر ساواک
و ... بیوشیم بردن، اندام نظام شاهنشاهی و
قطع مسلط امیریا را می خواستند، ازادی و حل
اسماقل اوضی خواستار می شدند و کاهش استخمار
سرماهه داران و جو استخمار سرمایه خارجی را طلب
نمی کردند ... و در این راه بود که برای یه رکن کسنه
خواستنها شان را در نظر می گرفت احترام قائل بودند
و ... نسبتاً بسیاری رفتند و خواستند، اما امور مردم می خشم
بودند و بینند که به اکثر این خواسته ها نشان :
علمی کردن ساکنها، قطع شفود امیریا رسید، و زمین
برای دهستان، اخراج کامل مستشاران، قطع سایر سور
راجدو و تلویزیون، نرسیده اند. بنابراین محابی
که می انتقام از اتفاق خلیخ منع آنها اختنان را همی
ست که به عملی شدن این خواسته برسد، هرگزین و
هر شرکی که نوامت این کار را بگیرد از نظر متوجه
ما قابل احترام است و گزرنده دری با زود نازاری
نماین و نهایت خود را خواهد کرد و حقیقت را سوسملاً
خواهد ساخت. ولی ممکن است امور متوجه های سواری
با اینها همراه باشد " اهل " هاش نظاره اموال پوروعه
نمایند و اینها بینند و لیکه این متوجه ها از متوجه های
دوران متروکه غصب شدند که بزودی بی به ماست
و اتفاقی ن شوند. و هنم بدایند اگر شما متواتریده
من خواسته های دمکراتیک و ضد امیریا بیست توکده های
ما را که محابی از اتفاق خلیخ آنها شد (با مسخر
پوشید که من توانند، بادسته این من دن سماوی
نمیتوانند خود نزد خواهی هدیه دوست مدت زمان را می دادی
نحوه ایجاد اینجا ایام اتفاقیه غیر کشانید. ■

سروایت نزدیکی هرچه سینتر به ایران استشنا، چنان
دیگر نتوانی و خلقان سا هی برجستا جمیع متنفس را خاتم
کند. اخلاق ایران هنگاه فرا موش خود را درکرد. جزوی که اقای
فرید زیوبویزاده امداد، ایشان معنتداست که گویی «اگر
شاراط میان اسلامی اجازه میداد، رضا خان ایران را به
سینت نزدیک بود! غیر آنکه سارلشک! این
شاراط میان اسلامی» شنودکه به رضا خان فرست شد. از
آنکه ایشان از این رسانا و اخلاق ایمان شنیده، بلکه و فهمی
این است که جون دیگر رضا خان بیک توکو می مرسوپ
شد. اینکه ایران را بیک توکو می مرسوپ و در مورد مدنیت
ملتفتخته بسروایت اند اخند. گرا پیش رضا خان بهدا شیسم
هیئتلوی که در ضمن پیکی از دلالت اخراج ایشان از ایران بود.
ما را نیز که آنکه فردی میکنید، ماستان که شده و سر
جهوچه مخصوص شیسم که میرفت تا شریف را در کارخ خود
فریغ و کند. رنگ و روند زده مشنو. سینت ایشان زندگانی
فایش را نکجا پیش میبرد؛
«سهمان نیمهست که هینتلر در حسن» سیاست بین
المللی نزدرو مددتو منگردید، پیشتر های افتدادی و
معنی ایران نیز سیاست مرسومی و نکایت خود ادامه می
داد و پیغامبر میرسد که رایش سوم، آن قدرت و نیرو
مندی را دارد تا موکبی کوی آرزوای ترقیخواه ایران
باشد» (صفحه ۲۲۶)
ایشان «فراموش» میکنید گوید که «مود مژقی
خواه ایران» درزمخ حکمت گارانه «بهلوی باخت و
شفوت با بن رکاب نکنندی درزوند اینها و سیاستهای بودند
آنکه فردی همین بکمال پیش این اتفاقات را بهم ساخته
است و اکنون درستند رسالت استاد راش مجهوری دم از
ملت و ملت خواهی می بینند. و با پیشگویی و حیات و آبه
و قسم و دیدی خواهی نهایی اقای زارگان و ذمای
قوهم، درج بازاری ارشت را مدارد. پیش این معلوم است
که دستخوش این مدارج رضا خان و سرتاسر آمریکا چه
خواهد بود؟

هذا مظكور که در اینجا گفته شد آقای فردی شے
شنبه نامه گز رخاخان بلکه در کنار آن ستابنگر
آمریکا نیز مت و این در سراسر شاهزاده شکر د و
ضمن میتوانیم این نیز هستیت دیده مشوده، همان
میدانند که ارتش مسدودی که ایستان افتخار مقام
سرلشکری اشرا داشتند جز بازیجه ای در دست آمریکا
و چنانی سرای خلافت از مناطق غارنگرانه شان نبوده.
و از همین و روی سنه طبیعی استکه ایستان نیز جز در
مددج آمریکا مسدود شد. مکر منکوده که فردی در ارتش
مسدود شاد به قام سرلشکری برسد ولیکن دلوانست
آمریکا را "سی طرف و سی طبع" (صفحه ۴۷) نداند.
مکر منکوده هم آن آمریکا بخورد و "مشی سیا"
سی او (دولت آمریکا) را غالی از هرگونه سیاست
ستمتعی ای "داندن" (صفحه ۲۱) مکر منکوده
سالیها با در کابینت پیغامبرانی داشت و "امسان
سیاست" اریانانی را "احترام به استقلال کلیسا"
علیل "داندست"؟ (صفحه ۴۱) اعلا جزا واد دوربروس.
نمایندگان نثار آقای فردی ستابناد ارشاد چههوری
سلامی در مورد جمی کما وتر جیست؟ ای ایمان هی کوئند!
درخواست همانی جمی کارتر رسالت چههوری
هدید آمریکا سرای احترام همانی به حقوق ستر هم --
همین همان را گوش برینگ شفیعوات بنینیا دی و جدی گردد
ست" (صفحه ۴۷)
البته این بایوه روشی بینی از آن رسواست که
جنایار به توصیه داشته باشد.

در بایان سوالي که مطرح نمیشود این است که
با آغاز بازارگان رئیس دولت در حرف انتقامی، به
من و اقسام آشنا نمیست؟
اما واقعاً افای بازارگان استناد از پوکوگرافی
رئیسی نمایند خود میگانند امّا با آنها همه تلاش ممکن است
سری زان و کادرهای مبارزه ارتش را به اطاعت از این
حساب و اداره ۲۰۰۰ مردم حق دارند از خود میبرند
به مرزی در کار هست که سا هزار آنه و حدیث است
که از این داده و نیازبیرون سوار مردم شده‌اند
که این جنین کسانی بر مقدرات ما حاکم
نموده‌اند که این جنین کسانی بر مقدرات ما حاکم
نموده‌اند که این جنین کسانی را واجب الرعایة میدانند و آنرا ا
نموده‌اند اطاعت از خدا و رسولان مثلی کنند؟ به چه
دلیل آن نظری می‌سازی که برادر و خواهر و هموطن –
ش بدمت اورتن مسدوری که شوریسمی ها و فرمادهایش
نمی‌دانند اما با فردیها بودند. سروکوب نمی‌دانند با بدایانها
اطاعت کنند. مذهبی از این نوع است که آقای بازارگران
توسط انسان سوکنیده است و همچنان که این اتفاق از جنین

برزم استان "اعلیحضرت ره شاه کمیر" نام دارد.
بدلیل اینکه اطراف آشنا را "شدادی رحال کم مایه"
گرفته سودمند - شوانست موقق شود - گونکند و گفت
را: "سیدنی برس و میعنی برسی بیو و در ملاش -
های شناوه وزی خود سرای اسلامی از این میانه واز
روی صافت تخته شتر شرشاره تم انگشت آنروز کار
میگردند ... و میانه افغان خلو تر از زمان کامها ای
میگردند ... ولی میانه افغان خلو تر از زمان کامها ای
پرسید مردمه داشتند. ولی میانه ها چون ... بوسلمه
شدادی رحال کم مایه" - درغیبی معاصره شده
سوزند، با استیجه در سلطنت استان دیگران ای آنطور که
شاده و باید رونق و قدرشی تکریفت" (صفحه ۱۸۹) اما ز
همان داستان قدیمی: شاه خوست ولیکن اطراف آشنا
بدند!

رمانی جمهوری خواهی که به شن کرده بود توانست معرفت را سفیرد و راه رسیدن به قدرت را میتوار سازد، پس از آنکه مدتی که سو اوضاع مسلط شده بجهة وائمه خود را شناس داد و فین استکه خود به رئیس‌جمهور شدن ایران تدبیل نمود، سارکوگوشه ندینه جمهوری خواهی سه مخالفتی را در پیش برداشت.

و این همه نه تنها سطراً سپاه دولت اسلامیه بک دولت مرکزی مقدور سود که صورت میگرفت، بلکه قبل از آن جون دولت مرکزی نار برسی و حراست از سرمایه‌های اسلامی

فرید: رضا شاه میسن پرست واقعی بود...
د. بشجاعت میر سید کرد ایش سوم آن قدرت و نیز وسیعی
را در دنیا جایگوی آنروزه ای مردم ترقی خواه ایران باشد.

در جنوب کشور در برا پر شدید دات داشمی از طرف چشمهاي
مايلات نسود، دولت انگلستان ساگزير سودتا فرج ارتباشام
عياري را در جنوب ايران برا اداهه استشنا رفود متحمل
شود، ولشكن مايقدرت رسيدن گي وفاداري حون رضا خان،
کارا انگلستانهاي سراسرا آسان شده سود و دیگر رضا خان را
اعتنى به قابی جمهوری خواه هم نسود و چمن شد که برو
تحت سلطنت شست.

حال به سینم که سلیمان فردوداران مورد جه میگوید: «چنان بعد از ملاحظه دد، رئیس وزیر امبال و آرزوها خود و ملت ایران چیزی ساخت ایرانی نتو ب سلطنت منروطه نمایند **شخیص** داد». برای لوگویی **هزجان** و **اطراب** مردم به قم مسافرت کرد. و با طلب موافقت روحانیون و مخدوهای در قم «**رسام اعلام** شد که مجهوریت مفابری با شماره دین مینم اسلام است و هرگونه اذکره و اقدام درموده آن **ساید منعو** گردد»، پس از **رفع تحریم** درموده آن **داجه مجهوریت**. و درین **الشورا** ندرفت **فاتح** سلطنت منروطه را دست گرفتند (۱۸۶) و واضح است که نتیجه از «**هزجان** و **اطراب** مردم» درستانان بالا، جزی **جزهان** شور مجهور بخواهی و **نگرانی** از سفرای سلطنت شنوده است که با خفه کردن ان **مسئول استان**. «رفع تحریم» مشود. خر عالمی که از **تلن مسوم** و **رشی** شناخته شد **جمهوری اسلامی** تراویده و **کمره** تحقیق شوده ها و **سوزک** کردن نظام منحظ شاهنشاهی بسته است از **استئنال استان** به «**ستگنک** تربیت و **طلاب** **سیمه**» (مثل از **ستگنک** و **کتابت**) در رکاب شاد چاند جدا

سرلشگر فرید ضمن مقابله رهاخان قلندر سا
تاتاروک، میکوبدکه این هدوده دهستان "شنیده غور و مولی"
رازدی، استقلال و ایجاد تندن غرسی "بودکه" علیحضرت
شانه کسریستن در اواول توفیق حاصل گردید (۱) و
مان کافی سرای تکمیل هدف دوم بسیار گردید (محضه
۲۲۰) وکی پاشنتر اعماق میگند:

ملحاظ اینجام داده بدمت رضاخان کسری، کشوره
ملت ایران را با جمالت سکون و عقب ما مندی راهاند (۱) و
با همین درگزی شناور و آغوش داده ایوانع منس المآلی میسل
زجست دوم خوبی جندسال دیگر به معلم له امارة می
داد، اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران سروجهای از
کمال مرسیدکه سروی فنال تعمیر و آمدیده بسو

مسوده (۲۴) آنچه در فرموده شد که این اطلاعات را رجایا کسب نموده که هر خودو این خودش همکنی را برای من غمده نمانت و حفظ می کند و این از عربان است

خواهند بود . و توجه های زیستگش ما را اولین فرمت انتقام اغلاط خود را از آنها خواهند گرفت .

راه حل چیست ؟

آنها فوار کردند و پیکاری به عنوان شعر شود سلطه و حاکمیت فاریگان خارجی و واپسگان داخلی آنها در

داشتند و پیکار گرفتن اینزی توهدهای مردم شد آنها در امر نوسازی و عمران کشور پاشد .

• پیکاری و میگردن سرمایه‌ای وابسته و صادره

امیریا بیستها و سرمایه‌داران وابسته ، سالیان در از باشد پیدترین وجهی کارگران و زیستگران کشور ما را باشد استخراج کرده‌اند و از مردم این غارتگران که از طرف سوی های انسانی بهبود زده‌اند و از طرف دیگر جلوی زیستگران می‌گیرند . می‌گیرند که می‌گیرند . و مانع از آن می‌شوند

پیکاری، عمل اساسی، راه حل‌های اساسی و دولت موقت "القلابی"

تا صنعت کشور ما در رابطه با تباذهای جامعه بین روزی شود .

این غارتگران دیگر هیچ‌گونه حق بر سرمایه‌ها و پیکاری ای که داشتند و از دارند . با علو کردن سرمایه‌های ای وابسته و صادره اموال و سرمایه این غارتگران

باید صفت متواترا که صنایع کشور ما را به ای وابسته برای تکمیل و فروض کالاهای خارجی تبدیل کرده است . ازین بود و با اینجا ورشد صنایع مادر مثل صنایع

زیستگری و میگردن باشند . "توبیخ" مانندی که ای وابسته راهی زی و صنعتی ، معاون و ... و که در

خدمت ورشد اقتصادی و پیشرفت جامعه قرار نمی‌گیرد . از

پیکاری رسمی کشور را در کشور بوجود آوریم و از

بیکاری و میگردن باشند . با وارد کردن صنایع

مونتاژ وابسته ، بکارگیری ایکل و نهنی پایه را در ایران

بر جا گذاشتند . این ساله علاوه بر این میزان صنایع ملی و پایه ای کامان چذب کارگران را ایشاند . به

آوارگی و خانه خرابی توهدهای طبعی از رومانیان انجامید و تعداد زیادی از کسبه و پیشه‌وران شهربی را

به ورشکستگی گشانید .

باين ترتیب واضح استکه اولین و ابتدائی ترین راه حل

بیکاری چند جذب طبق کامل سلطه و نفوذ امیریا بیستها و

ناپدیدی نظام سرمایه‌داران و مخنگران آنها از ملی شدن پاش

ها وحشت داشته و مانع ملی شدن آنها م شوند .

• میگردن باشند خواست سرمایه‌داران وابسته است

طی سه ماهی که از قیام بهمن ماه می‌گذرد ، مقادیر پسر

زیاری از توطیح سرمایه‌داران بزرگ و وابسته به عنای می‌شوند از طریق بانکهای موجود بخاطر بوده شده است

و با اختبارات هنگفتگر در اختیار سرمایه‌داران گذاشته شده . روشن استکه هر گاه بانکها ملی میشند و تخته

شده . روشن استکه کارگران بانکها ملی میشند و دست اتفاقی نظرمیان ملی کردن سرمایه‌ها و زنده بانک ملی کردن را باشند .

جمع کردن همه بانکهای خصوصی در یک بانک وتسنیس امکان پذیر نمی‌شود . این میتوان از آن کرد .

در شرایط فعلی بانکها یکی از احمد مرتین ابزار و سایل استشار غاریکی و شناور برخود راه هستند . به همین دلیل فقط سرمایه‌داران و مخنگران آنها از ملی شدن پاش

ها وحشت داشته و مانع ملی شدن آنها م شوند .

در این مقاله مایه اقدامات اتفاقیان و اساسی که باید

از این میگیرند ، مثل حل مساله ارضی ، ملی کردن سرمایه های وابسته و صادره اموال سرمایه‌داران بزرگ ، ملی کردن بانکها و رابطه ای که میان این اقدامات و مشکل

بیکاری و حل آن دارد می پرسد ازهم .

• پیکاری و میگردی ارضی

مساله پیکاری رابطه ای جد اندیشی با مساله دهقانان و زمین پیدا می‌کند . بهمن دلیل پیشنهادی از میان روزات

دهقانان در جهت مصارف زمینها و اعتماد کارگران و هفغانان از اقدامات است که باید مورد توجه کارگران آگاه و هم‌از

قرار بگیرد . تعداد زیادی از کارگران چذب کارگران را این‌گه رهقانان قبیرگو زیستگران روسیه تکلیف می‌گیرد . که بد لیل نایسماهیانها و خانه خرابیها که امیریا بیستها و

سرمایه‌داران وابسته و زمینه‌داران بزرگ به آنها تحمیل شدند . کرد اند . بیانی بیدا کردن کار سیوی شوره روانه شدند . مسلمانات مساله ای اینی حل نشود مههواره با چنین مهاجر

شیوه رخواهیم بود .

مصادره و میهمانی ملکیون و سرمایه‌داران وابسته (د رسار و هزار ناصل) و سپرده این خانه ای شوراهای ایلانلایی رهقانانی که بر اساس یک اختیارات رکارتبه ای اینها در دهقانان انتخاب شده‌اند . یکی از معتبرین اقداماتی

است که برای حل پیکاری باشند ملی شود . ملی کردن شرکتکاری کشت و صنعت و سپرده این خانه ای اینها و شرکتکاری سهامی زراعی بدمت شوراهای نایندگی کارگران این‌

زمینه رشد سریع را بخود آور . و با اینکه به صنایع اراده دارند و دلت ای اقدامات اتفاقی استکه می‌تواند اینها ایجاد

و زیستگران را در روتاها بخواهد .

طی روزی و اجرای توسعه عماران کشور از طریق ایجاد شکلهای راه آهن ، جاده‌های ترابریتی ، معابر و آبرانی روسهایی که از اینهای ترین امکانات را دارند ای اینها نیستند . توسعه نیروگاههای برقی بخصوص نیروگاههای کاری و آنی برق رسانی بعنوان روسهایی کشور که اینها می‌گردند . ای اقدامات اتفاقی استکه می‌تواند اینها ایجاد

از شرکتکاری نایندگی دهقانان و کارگران کشاورزی زمینه اشغال را در روتاها بخواهد .

• دولت موقت ناچون

همانطور که گفتم اقدامات فوق که انجام آنها می-

توانند مشکل فعلی پیکاری را بطری اصول و اساس حل کند . خواست کارگران و دهقانان ای اتفاق بروند و

هست و مسلماً از مهد دولتی بر می‌آید که واقعاً اتفاقی بوده و ممکن بر نیروی کارگران و دهقانان و نا... می‌گردند . اینهای متفاوت آنها باشد . و ماید اینم که اتفاق مایه

پرسزی نرسید . طی رفع مجدد تها و جانیزها کارگران

مکملہ بیت و موم حزب "نگوینیت" فرانس: آخرين وداع با مارکس لئینس از پیوند

قدیم و استفاده از در مکاریس حقیقی را هم به آنان نداد.
نتیجه اینکه، روزنیستهای حزب کمونیست فرانسه، بر همان عرصه "برد" خود بین در انتخابات نهیز شکست خوردند و درم فرانسه راهه که پیشتره سوی "سیاست دادی" و پیراد رفتن آزادگی زدن اهلالیسی سوق آوردند. بنابراین امروز، حزب کمونیست فرانسه به نیاز این تحول قهقهه‌ی "حقیقت مارکسیسم" - لینینیسم را می‌نماید. این خلافیان داخلی خود، "حقیقت مارکسیسم" که در واقع امر مدتهاست مدعی و محتواهای مارکسیسم - لینینیسم را در نظریه و در عمل شکار گذشت است.

گفته‌های انتخابی حزب کمونیست فرانسه، با استفاده از روش‌های جزوگیرانه انتخابی شوند و تعجبی نیست اگر هم‌واره به اتفاق آراء "موفق رهبری بوده و باشند"؛ چرا که بر اساس اراده‌ی دروپین حزب تدوین ("جوجوم کبد" به همان نام) "در محدودیت آزاد و سازنده" نشان می‌نمایند. خلافیان داخلی خود کمونیست همچویی سیک می‌نمایند. نیزه و رنگه نه استثنی، زیرا مکانیزم‌های بهزیزی‌ای از حزب هر گونه "قدیمی" خلافی را - به بیانه "پوچ" هماره زاده از راکسیونیسم - از گفته، که تقدیمی ایجاد شده بودند مرتعی و خصیم رهبری باشد، "ذفیف" کند. اصولاً، گفته‌های انتخابی روزنیستهای چیزی بزرگ نیاشی نمی‌نمایند. همچویی و سواری بودی این به دفر از پنهان تعبیین نیست. هم‌واره با اینکه کوچایی بر این کارنامه سازشکاری طبقاتیست، بر این توکیدی روزنیستهای فرانسه‌ها را به رعایت نهاده است! طبقه کارگر فرانسه که در انتخابات پیاوی-میتوسط است، این توکید هم (۱۸۳۰ - ۱۸۴۸) - و خصوصاً در کشور پاریس (۱۸۷۱) - بهشروع راهگشایی سوسالیسم بود. اینکه این توکیدی روزنیستهای فرانسه را شجاعات، از جان گشتنیگی و روحیه "انقلابی" خود را (در چندگذروم) در می‌دانند. که در طول قرن پیشتم نیز پارهای شجاعات، از جان گشتنیگی و روحیه "انقلابی" خود را (در چندگذروم) در می‌دانند. ثابت کرد اینکه باید به "کوئینس ارشائیش" می‌سوزد و می‌سازد.

اما ناوند روزنیستهای فرانسه که این پیامبران در رو-پیش این در دور و دن طبقه کارگر فرانسه رواج می‌برند، اگر چه بینهای در روابط عمیق اجتماعی دارند، لکن ابدی و محتشم نیست. بن شک، کارگران آگاه و انقلابی فرانسه نهیز هستند. همچویی کارگران جوان - دیریازد از نیزه شار خود - شکستند. این دلیلیک و شکلکاتی این بیوکرکارانها در انتخابی بیشتر می‌نمایند. بیرون آمد و پارهای میگر عجیب گشته به پیغمبر می‌نمایند. کمیاب شایان خواهند کرد.

ستند بکای واسته به آن (م. س. ت.). تنها پس از شروع این حرکت خودبخودی به میدان آمد و هرگز عقب نماندن از تاقله همراه آن شد. و کاتش نی شد! چون بالاخره بسا ستاده را برخیست، از خودبخودی بودن چنین و با یکار گرفت رستگاه خوبی و سند بکایی خود، موافق شد سپاه پاکه قرارداد از بازا و اغافله گردید ۱۵۰ به دست هزاره دستمزد هادا روزی در بر سر راه چنین شد. و دست در دست زیر چوپ و گل حزب سوسیالیست "اشوب" را بخواهاند. بدین ترتیب، چنینشی که اساساً علیه سرمایه داری بنا خاسته بود، بسا این اغافله دستمزد خاتمه یافت و این اغافله دستمزد هم چند ماه بعد با پیش این آمدن نزغ فرانک و بالا رفتن سرمایه مطلع شدند که در تیرور خود شد.

از آن پس، حزب کمونیست کم کم راه "اتحاد چپ" را ریشه گرفت و به حزب سوسیالیست نزد یک شد. برناشیه بن اتحاد چپ، از اصلاحات ناجیزی د رسماً می‌داری هر یاری ششکلیم که شد که مرآهی سوسیالیسته داری مردم فراسته همچوئی شدند و نی داد.

مرد فراسته به مدت چند سال، هیچ‌زیجه تبلیغات رلمانتر استی این حزب شدند که مدتی بود صندوق رای ای تنها شاهراه ترقی که داشت و می‌داند.

در سال ۱۹۲۶ در گنگه بیهت و هر حزب چنین ملاج دیده شد که مفهوم ریکاتوریستی بروتالیا- از آنکه که به ذائق مردم خوش نمی‌آمد و با آنکه که بزی خواهد شد است - کار گذاشته شود و گنگه نزیبه اتفاق ارا، این نظریه ای توصیب کرد. اما در پاییز سال ۱۹۲۷ و به قابله چند این اغافله انتخاباتی، حزب کمونیست فراسته، با توجه به نیکه ای اتحاد چپ، علاوه فیله کردن روزنامه سوسیالیستکم روزه بود و حزب کمونیست را بکل از مقام صدارت و وزارتی خوشواری دید و اندخته شد، به نگایان اتحاد ای این روز و طبقعتاً توضیح قانع گندیده ای هم در این مورد دارد.

جزیران ناراضیتی و مخالفتی، حزب روسی خوب، که از تنها بیش گرفته بود و هنگام کار گذشتند غموم یکتاکنیست، بروتالیا از زبان چند تن از تئوریستین های روزگار کرد، پس از این سبدان زیبای دیلمانیک شد مدتی شد.

که یعنیه اخراجی که اینکار برخی سلول های حزب و هرگز فرض می‌نمایند معلم مقاومتها و کارشنکی های رهبری در حزب به روزانه ای این اغافله، بصریت امضا هیزان غفو خوب را با خود می‌گردند.

روزی نویسندهای فرانش و لکنره خود پر کردند؟
ما در نزد حزب «برادران آنها»، یعنی حزب توده همچنان با شخصی بدن سخاول تغواهی های روزی گزار و روزنامه دردم (شماره ۱۵، ۱۹۰۷ اردیبهشت ۱۳۵۸) کوچکترین اشاره ای به تمثیمات ممکن این کنگره نداشت. عرضی نه نقل سخنرانی «رفیق خاوری» می برد ازد که شاه تنها نکته جالب توجه آن، آه و نواله این «رفیق» دارد. رفیق های خود برادران را باشد، در مورد اینکه در ایران را گزیده باشند «زیر شماره ای ماروا گلچ اتفاق نداشت» خدسته که اداره انقلاب اند و در راه نزدیکی نیروهای راستی اتفاق نشود. شک دار این مسارات نیروهای مارکسیست -لنینیست ایران نیز مور تقدیر «رفیق خاوری» قرار گرفته اند. اما، ملا این «نکته کوچک» که در مارکسیست کل حزب در گفتار مقدمات خود پیشنهاد کرد که هیarat: «ما را مارکسیست -لنینیست از نوشته های خوب در تحریر از اساسنامه ای انتخاب شود» و اینکه این همانند همه پیشنهاد های دیگر روز مارکسیست اتفاق ایجاد نشود، ایندا از نظر حزب توده قابل ذکر نیست و توصیب شد. ایندا از نظر حزب توده قابل ذکر نیست و این نکته کوچک دیگر، که مخالفان درونی حزب بکلی از کنگره پس از مصروف شده اند و مذاهبان پکسره خفه شده است، امری بسیار با اختلاف قلمداد می شود. کوشنخ گفت از آن مایه در برپار این کند نه تنی حزب توده، «ما چاره ای جزو جزو به واقعیت نداریم و واقعیت نیز ما را به تاریخ رجوع میدهد. نیزه صعم و رسی نکره بیهوده و سوم حزب کومنیست فرانس دایر بر وداع ایصالحی مارکسیست -لنینیست، به اینکه ام اتفاقی و ناگاهانی است، به پل شگرد غافلگوی و نه پل تاکیه بلکه بیکی از تنازع تحول طلب شوند است که در چند واقع میم تاریخ فرانسه به روشنی اشکار شده است.

حزب کومنیست فرانس، «پس از یاران دورو رگماتیسم تبعیت ۲۰ کوکوکوان از شوروی به خیال خود درآمد و در پیشیزی گرفت که معاذل در آمدن از جاله و افتدان راه چاهد. این راه راه رفیعیم بود. حد و حصر راه پار لانشیاریم بود.

در چنین ماه می سال ۱۹۱۸ که چنینی توده ای علی سرمایه داری بزرگ فرانس و حکومت را کل بود، شوده های کارگر، هدایت هفچان و رفیونکن به حرکت تعزیز و درستی نزد که اعتضاد نه کلیه میلیون کارگر فرانسی و فرانسوی رفیعتیں ظاهر آن بود. حزب کومنیست فرانسی

شیوه‌های ابزاری واقع در خطوط قدم جبهه را زیر
شناخته و معرفت کرده و هرگز بروایی به دشمن و اکامپانی
تریندند در نشجه شدن می‌خواستند و سیله هنگویی
به این مواعظ آذوقه و مهمات در برداشتند.
شاد از مواعظ دشمن و میهمات در برداشتند.

فریضی طفایر به ۱۵ هزار نفر بالغ مشد که ناپایان سال ۲۵ (با شیز ۵۴) آن شدад به ۴۵ هزار رسید. روزی شاه علاوه بر این امتدادهای تاریخی در منطقه خلیج، مجاده شاه علاوه بر برآوردهای گردان اداختن به سراسر منطقه و سلطنت روی علیهم که درگاه آغازتین بنی اسرائیل برای عبور نیز نشکنی های می باشد آماده نیستند. ایران با ارسلان این شداد هنگفت از شیوه های نظامی برای سرکوب اتفاقیات می خواهد و شنست هنین خودرو بودلوات - های فوجی طلاقی شن میدهد. علاوه بر اینها من جنگ، است که هنگ را در شرایط اقلیمی کثوار های منطقه شورین کنند. کارآشی سلاحی های خود را بسازم بینند و کمپیند درگیری و سرکوب شیوه های اتفاقیاتی منطقه را دار

شیخ‌وزیر ارشاد شاہ بے عمان و مسنویت م

دعا ممتاز مطحود

دعا میگرد که بحرین جزئی استاد ایران که بالاخره
را فراتندمی که با نظارت سازمان ملل انجام شد

فیلمه بافت

در آغاز سال ۱۹۷۲ مذاکرات بین شاه و قابوس

بروئ شد و پس از آن

خواهد داد که انقلابیون به آبهای خلیج دست باند و

فرزود که : " در

بیست که کسی جز مردمی متعدد در آن زندگی کنند!"

در آغاز سال ۱۴۲۳

بران در عمان شروع شد و شاه سپرده‌ای هوابردوبیزه تعدادی هلبکوپتر به عمان فرستاد تا در کنار سپرده -

۱۰۰۰ کلمه انگلیسی و معنی

سال ۱۴۰۰ سپتامبر را برای بازگشایی راه مفطع -

لالة کے سویلہ انتقام

تسلیل داشت . و در بابان اکتبر ۲۴ (آذرماه ۱۳۵۲) اسرائیل

میروهاي خود را

ستان ظفار فرستاد تا حاده موسوم به " خط سرخ " را

شغال شعابند. در اوا

میروهای ایرانی درگیر با انقلابیون عمان در منطقه

— 1 —

تجاویز امریکا و اسرائیل به حقوقی عرب: نکاتی بر روحی از عمل و دروس

ادامه از صفحه اول

ساده ات روز بروز سمعت سازش پیشتر با دشمن حرسکت کرد، ها امروز که او را در صرف مقدم ارتقا بیرایی دفاع از منطقه امیریا لیسم و درجهت رسکوب چشمتهای ای زاد بخش عرب را در طلسطنون و عمان و حتی افغانی مینهیم. خلیلهای هزار غیر از آنکه ای روز اخون خود سبست به ارتقا در امیریا لیسم و عمال آنان و نسبت به دشمنان د و سمت نمای آنها در سطح جهانی سرانجام سلطنه امیریا لیسم که نهاده شده بوده و ارتقا جمله می و با گاههای طبقی و ایده‌گویانک آنرا تابود خواهند داد. - خلیلهای هزار و قهرمان ایران که همراه پسران و مدد کار از روان بر خود بود ماند در سالگرد اینستوتیو بزرگ امیریا لیستی - شهرنویستی با برادران عرب خود امیریا هستگی نهاده بپنام می‌بندند که ها بپرسی دیگری زحمتکشان در سراسر منطقه، ها تا کامل نهاده بازخواستند. - خلیلهای هزار و قهرمان ایران را وارکن کردن روزی ضد خلیلهای پهلوی را گامی خستین در راه نایابی سلطنه امیریا لیسم در منطقه می‌دانند.

• رویز یوشنگ مانع رشد کوشش‌ها

قبل از اتمام بنی سخت بحث بحاجت اشاره‌ای نیز بپرسی
علل عقب ماندگی کومنیستها در منطقه و ناتوانی آنها
در اینجا نقش واقعی خود را کرد پایشیم.
کی از طرف اسلامیک این اسما را بازمانده ای احراز کومنیستی
در پیج و سازماندهی توده‌های عرب نفوذ و حاکمیت
روزیزونیسم در جنوب کومنیستی کشورهای عربی و بهمراه
تیمیت آنها از استراتژی و سیاست روز بروز اتحاد
شوری است. برای مثال اغلب احزاب کومنیستی عرب ب
نتیجه استفاده از موضعگیری مشخصی در برابر سلطنه ملی
اعراب ایجاد شدند. سلطنه علی بارزترین و تشکیل داد و لست
اسراپلی ایجاد داشتند. عربیان می‌بریم که این از
سرایه اعراب طبیه امیرالیسم را در چند ده گذشته
تشکیل مداده است اما احزاب کومنیست (روزیزونیست)
عرب بخوبی بدین روز از آن در جامعه‌شناسان می‌گذرد و صراحت
تیمیت از سیاست اتحاد شوروی در قبال اسرائیل همین
بر قبول موجود بیت و برسیت شناخت آن در حدود ۱۰
هزارهای قتل از ۷۰ هزار تنها به حل این مشکل نیزد.
خدتند بلکه موجات عقب ماندگی خود و نفرت مردم از آن
احراز و نتایج ای کومنیست را فراهم آوردند. شاید تنها
جزیه که تحت ۷۰ نیز این تیمیت فرار کوکف و امساله
روزیزونیسم وضع داشت، حزب کومنیست عراق آن‌هی
در دن و راه رهبری شدیده «فید» بود که برخلاف احزاب
کومنیستی روزیزونیستی عرب که هنوز هم اسرائیل را در
بهار چوب مرزهای ۶۲ برسیت می‌شناستند، موجود بست
اسراپلی را اسلامیه نامیدند. انسان احراز ای
کومنیستی سنتی بدل رویزونیسم و باستی شان به
اتحاد شوروی بهمراه جوهری نتیجه شناخت آنترانیتیو اقلایان
را در شرایط بحرانی و انقلابی ای ایشکت زوگن
۶۲ اراده دهد توده‌های را پیج نهادند و خسروه
هزارهای را با غایبانه می‌دانست. این احراز ای
هزارهای را با غایبانه ای از آنکه بند سال توده‌های
کتاب زنند. در این خلاصه ای اینکه بند سال توده‌های
عرب در سر و سوریه و عراق و... توئیستند مجدداً
و بطور خود بخودی تحقق ممه آمال خود را در رسای
زمانهای سلاح فلسطینی یافتند. سازمانهایی که به
نهادن اموال نهادنها بسته ترتیب سرانجام خرد مهربانی
نهادند طبق شوند. بدین ترتیب سرانجام خرد مهربانی
حامد در سر و سوریه و عراق و... توئیستند مجدداً
با شمارهای سازه را با اسرائیل باز سلطنه «خوش را تحکیم
پیشند. بر تنده‌های خوش بسته توده‌های عرب مانند
گذشتند. شریعون گذازند و در رسایل ای موادر حتی ای
دست زدن به اقدام فاشیستی سره کشیدند. شنیدهای
تر مقابله در کشور خوش و نیز نسبت به جنیش مقوای
فلسطینی بیدر ازند. رسکوب کومنیستها و دیگر نیروهای
ترقی و خلق کرد در عراق و اقدام سوریه به انشال
لبنان و سرسکوب اقلای فلسطینی و عینش ملی ایشان در
سال ۱۹۷۶ نهونه هایی قابل عرضه اند.

منک زون و شکست ریزیها (نه تود هما) ی عرب
آنکه بیدار باش را در سراسر منطقه نواخت. ابتدکار
ریزیهای عرب در میازده استعمار امیریالیس که نه
بر خلیج و تدوین های حمل و سازمان باقیه "آگاه" بدل بر
خواه های منظم استوار بودی مانیک خود را تابت کرد.
جنگ زون کوک ووشکتی اقتصاد مخلوط و اصطلاح
سویسیالیسم خرد بپروژوایی را نواخت، و ناد رستی و عقب
ماند بود ن راه حلیانه اصلاح طلبانه را بر ملا نمود.
جنگ زون نیروی انفجار عظیم های عرب را آزاد
کرد و مردم مسکن اتفاقی سلحنه فلسطینی
چون سهل روی او در دند و قول یکی از رهبران مقاومت
فلسطین "جنگ زون، تود های عرب را در سینی طلاقی
تقدیم موقات فلسطین کرد." پس از این جنگ بکسی از
ناد ترین مؤمنیتیها و شرایطی اتفاقات در جهان عرب
بوجود آمد و بعده از اینکه بجزی بسته رهایی و قمع خلقی ای
منظقه برد اشتهی شد.

اما متأسفانه انحرافات و نارسافتها و کسود های گوناگونی که در شرایط ذهنی منع اخراج و سازمان های شرق و غرب وجود داشت استناد آن شد که از چنان موضع و قبیح استنانتی بهره برداری کافی مسروط گردید. خرد بوروزا زی متعدد و دودول مجدداً مواضع

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مکت شورش پروردۀ نای عرب را درین طلاقی تقدیر مقاومت فلسطین کرد.
مشکلت جنگ شورش، مشکلت شریعتی عرب بود، و مشکلت نزدۀ نای.

از حاصل مرتضی متشکل اعراب، یعنی سندی عالی هم گذشت.

را مستحکم کرد و این باری چهگنگی براست خود را مرد
برای ضریات بهشتی به چندی زاد پیش خلی قلسپین و
عرب باز نمود. پس از چندین سال مانور دادن با امیر
پالیسم و با عده و عده و چند زدن گوشید
پالیسم و صهیونیسم را بسته حمایت از خود دادن
از همان چنانکه امیری پالیسم و صهیونیسم که به است
عثیار چلب کند اما امیری پالیسم و صهیونیسم
منظر و ضعیف هستی خود بوزوژی عرب و حالتهای
بین‌نیازی او امید هاسته بود زمانی با عده های گشینجر
و کارتز و زمانی با جاگز شعردن ضریاتی مدد و بر پیکر
اسراشیل (آنطور که اکنون با نام مهروشان آن که دیگر نه منافع خود بوزوژی
سازش با نام منافع سرمایه داری و ایستاده در حال رشد تک رو خود
را نهانیدن گی میکند. گشود و سادات این عامل پشت
کرد و به خلق خود را در سر بر امریکا بیشتر خم شد
و هر دم در راه حفظ نامع غاریگرانه امیری پالیست
و ادامه نفوذ آنان در منطقه بیشتر کوشید. و غلطیدن از
بدید امان امیری پالیسم و صلح او را اسرائیل بجهات رسید
که خوشحالی‌ترین سورها را زیر بحیرت واد اشت اما برای
آنکه ایجاد ایجاد طبقاتی، آنکه بود که تهابت این خط
داشتند از اینجا خصمی، آنکه بود که تهابت این خط

پیگاجست. از همان زمان که طرح راجز و وزیر خارجه وقت آمریکا مبنی بر قبول قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت امتحان مصروف رسال ۷۰ مورد واکفیت عدالت انصاری که شناخته شود در روی مقامات را طیفرین قوانین قرارداد، مبینه باشان آن خط را شاده مکر، عدم ایمان خود ببوروزواری به قدرت توده‌ها و آگاهی دادن و سازماندهی آنان و اثکای او به ارشتنگل‌اسپیک و کاراکتریتی للاح و نه به هنگ حلق و نقش تعیین کند و انسان ناگزیر اروا پرسیت راست بستم تسلیم و انتیاز داد ن بستم دیروزیک زیستیاری غصب شدم از شن کشان ازوسی دیدگرد رشد تیوروهای مولده و تحولات اقتصادی غیرقابل اجتناب در رون جامعه معمور و موجوب میشند که پیکربوروزواری سایپا ملیس و حالا و استسه صدر و چنان راح است خود ببوروزواری آن گشور نفع خود را نه در هزاره با امیرپارسیسم و همین‌ویتم ملککشان را باشان ایامیان. است که تهدید آئند ایام

دزهای اقتصادی و سیاسی آبرافت یعنی محدود و به منافع استراتژیک آن بیویر نفت خسارات سنگین وارد می‌کرد.
منابع مه طی این سالها بیکار شد، توطئه‌ها یکی از دیگری علیه خلقتها طرح ریزی و اجراء شد. در

سال ۱۹۴۸ دوست غاصبان صهوبنیست بر قسمتی از خاک
اللسطین اجاد شد و دستهای تجاوزگار این هشت بانی
پریمیسم به سوی سرزمین خاری های حول و حوض خود از
حاظن سیاسی - نظامی - اقتصادی و حتی فرهنگی دارای
بودند ^{۱۲۲۲ در ۱۹۴۵} حکومت ملی عقد با
توطه شترک سیا و سازمان اطلاعاتی ائکلیس و ارتاجا
حلی سرگون شد ^{۱۹۵۵} در ۱۹۵۵ بهمن بخداد الشنا
در دید ^{۱۹۶۰} چشم در اردنه و لیبان سرکوب داد و ایسل
سالیاهی در ۱۹۶۰ رفع ارتجاعی با صلطان بیان اسلامی
یعنی دست داد که به همیاری غلبهای عرب و با اتفاقاً
نماینده ناصر حق مرآب گشت و سرانجام طرح ضریبی
بزرگ امیریا لیسم و صهیونیسم برای سرکوب کرد انقلاب
خلخلهای تاریخی ستد ^{۱۹۶۷} عرب بویهه ما زمزمهانه لسطین (که
تاریخ با گرفته بود) و بمظبط اوازنگر کرد زیم عد الناصر
در دید و نزدیکی تبریز تصرف رفه به پیشتر از خاک لسطین و
نشسته ای از عاک سوریه و مصر و در یک کلام بینتو-ور
تسلیم و اداشت تود مهای میباز عرب در سال ۱۹۶۷ به
حمله اجراء آمد. اسرائیل با نقصه دقیق و حساس
در دید و بایستی استفاده از نقطه ضعفهای موجود در زیمیهای
جهان عرب که در پیشترین حالت خود به علتها سلح
و سازمان را گفت و آنها نکن بند دند حمله چند جانبه
خود را آغاز کرد و با بکار گرفتن تاکتیک حمله برق آسا و
بدون آنکه امارات بتوانند بپاد آمد در بربر آن حمله
وقایع موقوت نسبات نمایند ^{۱۹۷۳} توانت سلطنت عرب روز ساحل غیری
برادر و روز ساحل غیری که از لسطین باقی ماند بود و نزد
رژیمات استراتژیک گولان در سوریه و نیز صحرای سینا
را اشغال نمایند.

این پیروزی موقتی دشمن تاثیرات عمیق و سیاسی در اوضاع کشورهای عرب بجا گذاشت و در سهای زیادی موقت، و تندا دین خلقوهای تحت ستم و امیرالیسم را بشدید ترین وجه خود عان نمود.

در این ارزشیت بزیر و سخت، درین صاف سر -
و شوشت ساز پیکار دیگر علقوهای استدیده چشمهاشان
هر حقیقتاً میگشود شد آنها فهمیدند که رابطه
میان خلقها و امیریاالیسم چدق و غیر قابل سازش است و نیز
فهمیدند که شمارها و توهمند خرد هر برؤایی هر قدر
هم که براپا آغاز شد سرانجام مسی اثر بود ن خود را و مقابله
با امیریاالیسم نشان می دهد آنها درستی روزنگاری
فرمودند که از اول حلماً همان اتفاقات و بینایی و از نمایند -
کان اشارت متوجه حامه د مرد رو و روایا امیریاالیسم
نمیتوان انتظار پیروزی نهادی را داشت - آنها قدم
نهادی را بچلو بر میدارند «مواضی از ارتاج و حضی
مهادی از امیریاالیسم رفته کنند اما بهگیری مسایر زده
ت سر زبان چون کامل سلطنه و نفوذ امیریاالیسم و عوامل
داخلی آن اثان و از نظر اثان ساخته بیست .

خارج بوده و خود نایابی از استراتژی آمریکا بمنظور ارام نگه داشتن مناطق تولید نفت و نیز گذرگاه هفتادی خلیج می باشد .

تفوّق نظامی اسرائیل موجب شد که جمهوری خلق سرای زادی عمان بخش اعظم شرپوهای خود را از مناطق آزاد ندهد. قبلي غلب بکند و سازماندهی و سازمانهای متوجه ای وابسته خود را مغلقی سازد. جمهوری تاکتیکای مدیده در خدمت استراتژی ملی خود بکار گرفت و عصرمندیها آن کوشید جمهوری خود مغایل مجموع ناید کشیده دشمن، اینقلاب را در مقابله

جهه سارزه سلخته (در سطحی کمتر از گذشته) سارزه سیاسی و تودهای ای را در شرایط سرکوب سپاه نهادند به پیش میرد و علیرغم آنکه جمهیه بخار طغیق پروژه‌های اسرائیل و نفعه شفعتی که در کربلاب و ساخت اتفاقات نیز وجود دارد و علیرغم اینها همچنان که اتفاقات علیه اهل میان و دست اوردهای آن هم سرانجام علیرغم مکنتها و دشواریها پیروزمندانه

★★★
حالا این سوال در ذهن هر مساز و هر میهنه -
رسان ایرانی مطرح میشود که آیا موافق دولت مقوست و
بگر مقامات ایرانی در قبال خلق و انقلاب عمان ، نا

ادامه از صفحه ۱۰۱

卷之三

دولت انتظار داشتند ، شهدید و حکم سود که بر علیه
کشاورزان و خوده مالکان " آری " . کشاورزان و خوده
مالکان " سازمان شد . روزی فکنند " ما منحا وزن به
زمینهای دیگران (بعین دهستان ، خوش نشینی کسے
استثمار از خوتوخواران و بسته قطarthی جون غیره)
بزداشی ها و ... میگرفتند (مخواهم کاری مکنند که
وقت و انزوی دولت مرغ نشینی آنها شود (مثل تدبیره
کشاورزان و زحمتکاران کنند که خواستارش " ملی " سا
خوی و خوش سوت گرفتند) . معاشران اینقدر
وزیر کشاورزی و سریع میگردند از سیاست امروز و روز دیگر
برای آسودگی خاطر ارستان و بزرگ مالکان و نزد سرای

د ه ق ا م ا ن و د و ل ت س و ق ت

- آقای وزیرک وزیری ! شما نیزه اقتار حکم خاص داشته باشید
- شما آنرا قلت زمین داران بزرگ ، نفوذ ایام و دیگر مجھیں
در تقابل اکثریت دهستان و فاعل یکنید .
- اگر این شیوه های کار و این سیاست کارآئی داشت ،
حراجدگل شهرت شافت مطلب رو رشد کرد

بیان و دولت موقت

- آغازی دیگر که دزدی اشما نینهاده اقت رجکش جایمه است
شما را آفکت بین واران بزرگ، غزو داده و دیگر محبتهن
در تقابل اگر کشت و همانان وفع یکنیه.
اگر این شیوه های کار و این سیم کار آیی داشت،
چرا دگدشتی باشد هلتی در بود شد؟

شما شاید افشار زمینش جا م نیستید؟
ادامه دارد....

بس از چندی در اثر سیاست‌های خاشاک براند از
دو عین حال حاصل شده دولت، دھناتان گروه گزینه‌من-
عاستان و این بوسیله ملکان و اگذار کردند و سرای
پسرخانه ناسی راهی شهرها شدند. در شهرها هم سرماده
براند را لوگوت با کارخانه‌های موستاخ خود منتشر
نمیزدند کار ارزان آنها بودند. با اینحال هنوز شو ده
ظبطی از مردم ستمدیده مانندی از روستا سکنی داشتند و چه
ز طرق زراعت و چه از طریق دیگر نظری کارهای چند
روزه با موسی به زندگی طاقت فرسای خود ادامه میدانند.
و همان رست بکار مژوند
شوط ریزم شاه جلد. به منابع مظہر زور و قلندری.
ستمار و خبانت معنوان طبیعی آزادی و رهایی از قبیل
سارت و بندگی شلقی شد. دھناتان هم بهمراه سایر
شثار و طبقات مردم به مکابو افتادند حق خود را
که سالیان درازی است بدند از طرف میر ارجاع در ابران-
از طرف استئنما و گران بغض نهاده است ایضاً شتانند.
دھناتان منظر نماندند که دولتهای آنها چرا غ-
مز نشان بدهد تا آنها بر استئنما گرگان. بر ملاکین
بزرگ و مر فتووالها بیوشستند. سیاری از آنها به رهمود و در
نهایت ساز سیستند. سیاری از آنها به رهمود و در
مواردی با هریض شومها و عنامر گیشتو ره مصادره
ملک ایسا و ساران و زمینداران بگرد دست زدهند و به تنکیل
نورواهی دھناشی. سینی ارگاهای اشغالی خود هست
همانشند. آنها دیگر خشم و نفرت فروخوده سالهای
طولانی را باشد و بندت که همین آن فتووالها

• دستگار مشوند

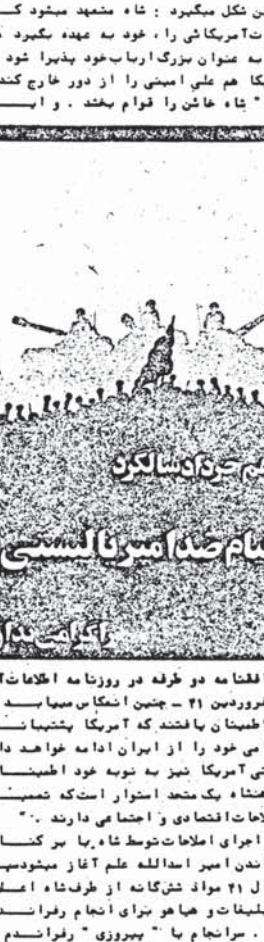
سقوط ریسم شاه جلال، به منابع مظہر زور و قتلدری،
ستھنار و خبانت سعنوان طلبیمه آزادی و رهاشی از قبیل
سارت و بندگی تلقی شد. دھناتا نام بھرماء ساپرس
فتخار و طبلات مردم به کتابو افتدادت خا خود را
که سالان درواز است به دروازی مردم امتحان در ابرار-
از طرف ستمارگران کوچک شده است باز سناشد.
دھناتا منظر نما نداشت که دولتہ آنها چرا غ
مسز نشان بدهد تا آنها بر استشارگران، بر ملاکتین
بزرگ و بر شفودالها بیوش برند. و زمین های خود را از
نهادن سار سیستند. سیاری از آنها با هشمود و در
مواردی که رهبری شروعه و عنامر بمنشوه حصادره
ملک ایران و ریمندواران بزرگ دست زدند و به تشکیل
نیوای های دھناتا، سینه ایکا یهای اتفاقیان خود، حضرت

• دولت موقت بر علیه دہمان !

اما اقدامات انقلابی دهانان نه تنها از جانب
وللت "انقلابی" مورد شویق و ترغیب واقع شد و سا-
سادعت و همراهی آن روسو نگردیده . ملکه سعکن و
اما ایشور که نعمت ای سنبده نیز ممکن است باشد

پاکستان و اخنویں

عامی و پیشتبان آنها یعنی امپراتورستان خوان نهادت
پیشتبانی کافی از آنها را تدارد، راه چاره ای
باید جست. اینست که سفر شاه به آمریکا فسرو رت
نمیباشد. شاه خاشن به دیدار کندی "دکترات"
میبرد. مذاکرات و میاخت هم صورت می پذیرد و نشسته
میباشد چنین شکل میگیرد: شاه مشهد مشود کش
جزای اخلاصات آمریکا شی را، خود به عهدہ سکرده، و
آمریکا را به عنوان بزرگ ارباب خود بذیرا شود و
در موافق آمریکا هم علی اینستی را از دور خارج کند و
شانه هشت: "شاه خاشن را قوام بخند. و ایس-



ارٹھا، مقام زن !!



اًدَمَارَ مَلْحَدَهُ اَوْ
ولی این شوروبای طلی سود . فشار اعتمادی - سیا سی بر
مردم ، زیسته نهارخانی آشان را از رژیم حاکم
بوزیر سورز افزایش میدارد . و فشار بورزوایی (سمه
بوزیر بورزوایی و استه به آمریکا) بر فشودالیسم
حاکم نیز روز بوزیر افزایش می باشد . فشودالیسم
حاکم سخون برآری مانع و شد بورزوایی سود . در چنین
اموضع و احوالی این سود که امیرپارهای لیسم آمریکا ایستاد
چنان " دکترات " زمام را بدست داشتند . بروای باز
پس زدن امیرپارهای لیسم ایسلتان را در ایران که نای ایشان
زمان نشتن سلطنت را داشت و اشغال مکان آن ، گسترش
بازار عرف در ایران ، و ایجاد پکبای به اجتماعی
جدید برای رژیم میتلزیل و دیکتاتوری شاه خانشان ،
مشغول برداشته ریزی و اعزام آنها گردید . هم شدن
دکتر امیرپارهای لیسم ایسلتان می خواستند بورزوایی و استه به آمریکا
با لیسم آمریکا در سفل کوش کشند ، اولین بروز علنی
این خواست امیرپارهای لیسم آمریکا سود . اما ایسلتان و
خشودالها و در راس آنها شاه خاطر نبودند برا هستی
میدان و خالی گشتد . آمریکا و بورزوایی و استه
قدرت تکنوسوئی غول آسای آمریکا و سایر جهه های
امیرپارهای لیسم آمریکا را خواستند داشت . ایسلتان میدانست
بریدن هم مقدم از بای بشتبند . ایسلتان میدانست
که با ایجاد و فرم در ایران و روز بورزوایی ناشی
بظری میافتد . زیرا بلطف ، بارا شن مذاقه سیا
قدر تکنوسوئی غول آسای آمریکا و سایر جهه های
امیرپارهای لیسم آمریکا را خواستند داشت . این سود که
با شام تقدیر خود در مقابل شمار آمریکا مذاقه
میکرد و در این راه شام فشودالها و همینطور شاه
جلد طعن فرمان او سودند . ولی آمریکا هم دست
خالی نبود و واستگی ایران به آمریکا هم مسلطه
بر اینهمیتی سود . به ویژه آنکه آمریکا در جهت
تذکیری رشد خاک سین بوزیر و فشودالیسم در
ایران حرکت میکرد دست بر عکس ایسلتان . دیگر
آمریکای " دکترات " خاطر نبودند به دیکتاتورها و به
کشورها که مخالف ارادات آمریکا شن سودند و ام
بزبردازد . این موضوعی است که باره ای از طرف مذاقات
آمریکا کی در آنژووها شنوان میشد . و این خود فرشته
مزکی کی دیکتاتور شوری شاه مخصوص میشد . سهرحال ،
امینی در تطبیق با سیاست آمریکا " فنا " پیش از
سیاسی " برقرار راحت و روزمری سود بحرکت در آمدن
نیروهای شوده ای شاه و هناخته عقب رانده میشدند .
پاتومیک شدن قانون " ملاحظات و پیش " در هیئت دولت ،
غرض سستی شد و فشودالها وارد شدند .
آری آری ، آمریکا قصد توقیف شد . آمریکا بسی
منافق دراز مدت خود می آمدند . به بازار صرف
ظیم ایران ، به مانع شدن از تبدیل ایران به
کشورهای نظری سر عصب دالتاصر و عراق عبد الکربل
قاسم و شاهی سه سیار فراشتر ، جزو که مسئلله ایج -
که میری مسازیز دکتراتیک و فسخ شدن توهه و وضع دھنا -
نان به این مسازیز طرح سود . همچو که می خواستند
بظور کامل منافق امیرپارهای لیسم را بظر اندادند ، به
تو دهنی محکم زدن به ایسلتان که در کمال زیویتی
هزوز نشیخوت سود قدرت هزیفت برتر خود را بحسب آورد
و اخترا منشرا به این داده . و از این روح و استه که آمریکا
به پیش میتابد . شاه و سایر بزرگ فشودالها را دادگیر
هزیفت دسته و بر تقدیر روپرتو هستند . از طرف سیا
هزیفت دسته و بر تقدیر روپرتو هستند . از طرف دیگر

تحصیل کتابخانہ و انتشاریات

بد نهاد میری که هفتاد سال در مرید حمله عمال از جماعت
که با پرورشیاب خرم آباد و مراسم کاسپوزان برایان تقدیل
کردند آنکه با قائم کشاورزان میخواستند این شاهزاده
حصیره را بخواهند، نهایت خانه و پویه را بنکن تا پسندیده
بمدت از این را قادمه کارگوشان و داشچیان و عده‌های از مردم
آگاه از تاریخ ۵۸/۲/۶ در دادگستری تخصص شد و اعلام
کردند که اگر به خواسته‌ای آنها رسیدگی شود بسته به
اصحاب غذای خواهند زد.

Hosseini شاهزاده مخصوصین به شیر نهر است :

- ۱- اهل امام نظر استادن از لرستان در مرود حمله به داشتگاه
و کاپریزهای و کانون دستوران هنر در راه را بولدهای و
وتعبین مجازات برای کسانیکه بعد از این بدین گونه اعمال
درست شدند .
- ۲- اهل امام نظر نیز داشتگاه لرستان به طور مستقیم و چگونگی
مشغولیت داشتگاه برو تقابل این گونه حللات .
- ۳- اقدام به شناسانی و محاجات اعلیمن و محركین حملات
روز جمعه ۵۸/۳/۴

از طرف گروههای مختلف مردم ادارات را توانی و خصوصی،
بهم استانیان، بهدادیار داشچیان و داش آمزنان بسا
هزاران اعلام هستگی، شدی است.

